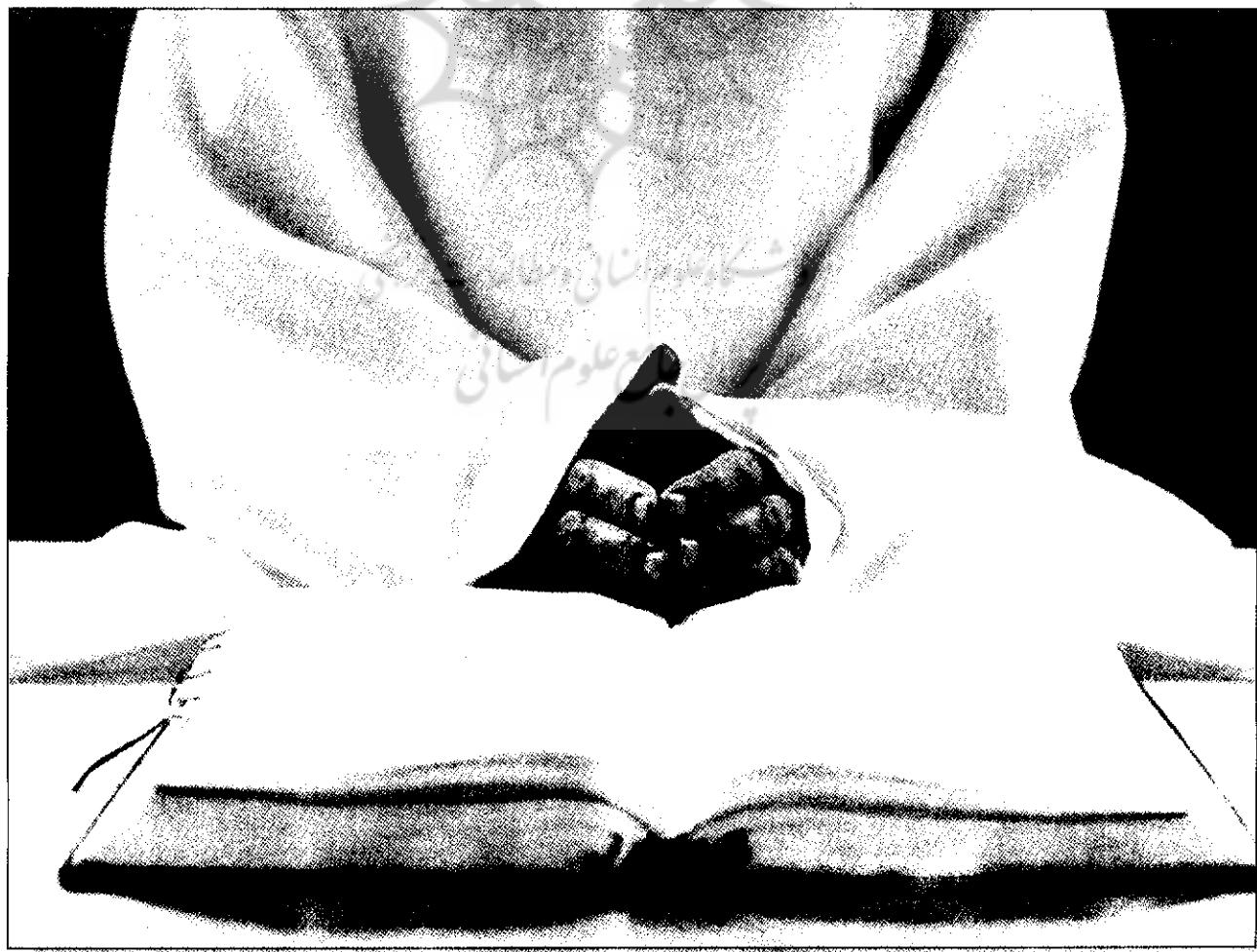


کتاب

بر ما حکمت عطا کن

ریشه‌های محبت
کاخ درون
دایره المعارف دین و جهاد
جهاد مقدس



بر ما حکمت عطا کن

قرن نخست پیش از میلاد نگاشته شده باشد: پس جدیدترین کتاب عهد عنیق است. روی سخن مؤلف با همطهان یهودی خویش و بویژه با جوانان یهودی است که حکمرانی آینده اجتماع بر عهده ایشان است. از این روی، یاد کردن از جوانی سلیمان به شمار می‌آید.

تمامی معنی خود را پیدا می‌کند. در بخش نخست کتاب، تصدیق می‌شود که خدا آدمی را فسادناپذیر آفریده است:

سرانجام انسان، نایبرایی است و مرگ شمرة بدی است. در بخش دوم به حکمت و حکیم پرداخته می‌شود. حکمت به عنوان حضور دمام

شندای تعالی که منبع وحی کتاب مقدس بوده است، درک می‌شود، حضوری سودمند به حال دنیا که موجب انسجام آن می‌شود و بدان

معنی می‌بخشد. در بخش سوم، بهخصوص به رویدادی که موجب پیدایش اسرائیل گشت، یعنی خروج، پرداخته می‌شود. خداوند درین

رویداد، همچون منجی قوم خویش تجلی می‌کند و ایشان را از طریق واقعیت‌های ملموس و کهانی، که مَنْ شریف‌ترین آنها است، از بی‌دینان و حتی از خطاهای خودشان رهایی می‌بخشد. در این اثر که اینچیز بر

آنداشته‌ای استوار مبتنی است، ایمان در آزمون و جست‌وجوی مشتاقانه حکمت، بر اساس تأمل در خروج که غالباً دعاگونه دارد، صورت

می‌پذیرد و از رهگذر آن، سعادت دادگران نزد خدا در فراسوی مرگ

تصدیق می‌شود. اما کتاب «حکمت بن سیرا»، «حکمت بن سیرا» در کتابهای مقدس یونانی، لاتینی و سریانی وارد شده، اما به قانون عربی راه نیافرته است. با این همه، به زبان عبری تصنیف شده و هیرونوموس

گفته است که نسخه آن را به زبان اصلیش دیده و شماری از زین‌ها تا قرن چهارم میلادی، این نسخه اصلی عبری را ذکر کرده‌اند که گواه آن در تلمود حفظ شده است. حدود دوسم از این متن عبری که قریباً

متفق‌بود، در ۱۸۹۶ در شش دستتوشته تقطعه‌قطعه مربوط به قرون وسطی که در کیسایی قدیمی در قاهره به دست آمد، بازیافته شد.

در ابتدای قرن دوم قم، یشوع بن سیرا که استاد حکمت در اورشیم بود، زیبد تعليمات خویش را در کتابی گرد آورد. نوی او که به اختصار

زیاد، در ۱۳۲ قم به مصر رسید، کار ترجمه اثر نیای خویش را به زبان یونانی به دست گرفت. این ترجمه بهترین شاهد کتاب بن سیرا است

که باقی مانده و در سه دستتوشته اصلی و ایکان، سیتابی و اسکندرانی وارد شده است. با این همه، این کتاب احتمالاً از قرن اول قم، بازگری شده و افزودگی‌های بسیاری به آن الحاق شده است. کتاب از لحاظ

قالب، در خط یشگامان و سوشقهای خود قرار دارد. در نگارش آن، تمامی صناعتها شاعرانه حکیمان به کار رفته است. آموزه بن سیرا

مشتمل بر تکرار تمامی سنت پیشین کتاب مقدس است، اما با یهی حکمت آمیز. نکه اصلی این آموزه، حکمت است. همان عطیه‌هی که

همواره به برگزیدگان و آزمودگان خدا ارزانی می‌شود و کسی را که فرمانتداری پذیرای آن می‌گردد، از نعمت می‌آنند و حکیم را حامل حکمت می‌سازد.

در این جایه دو نمونه از اندرزهای این دو کتاب اشاره می‌کنیم: در «حکمت سلیمان» آمده است:

«ای خدای پدران و ای خداوند رحمت، تو به کلام خویش جهان را بساختی،

پادشاهان سخن می‌گوید. اما بدیهی است که این نویشه حکیمانه، مانند «کتاب جامعه»

... بر من آنی را ارزانی دار که ایشان او رنگت است، بر من حکمت عطا کن.»

و در «حکمت بن سیرا» می‌خوانیم:

«حکمت ستاینده خویشن است،

و در میانه قوم خود، فخر خویش می‌نمایاند.»

کتاب مقدس زمانی دراز به عنوان یگانه منبع بزرگ ادبی فرهنگ کهن خاور نزدیک شناخته می‌شد و امروزه نیز، پرغم گذر زمان و کشف آثار ادبی بسیار در دنیای مشرق زمین، این کتاب همچنان به عنوان یکی از بزرگترین مأخذ حوزه فرهنگی یاد شده به شمار می‌آید. صرفظیر از نوع نگرش که می‌توان به محتوای دینی این کتاب داشت.

بايد آن را جزوی از میراث عظیم فرهنگ بشمری داشت. به یقین می‌توان گفت که در دنیای مغرب زمین، هیچ متن مکتوبی به اندازه کتاب مقدس تصحیح و ترجمه و تفسیر و خوانده شده است. تا جایی که تا ۱۹۷۱، این کتاب به هزار و شصت و سی و یک

تجربیات انسانی و دینی نوع بشر در طول زمان است. پس کتاب مقدس آینه تمدنی از جان دنیا ترجمه و منتشر شده است.

اما «حکمت سلیمان» و «حکمت بن سیرا» چیست؟

یکی از جاذب‌ترین بخش‌های کتاب مقدس، مجموعه‌ای است که تحت عنوان «کتابهای حکمت» شناخته می‌شود و شامل بر هفت کتاب ایوب، مزامیر، امثال سلیمان، جامعه، غزل غزل‌های سلیمان، حکمت سلیمان و پیشوای سیرا جزء «کتابهای قانونی ثانی» است. از این مجموعه، دو کتاب حکمت

سلیمان و پیشوای سیرا جزو «کتابهای قانونی ثانی» است (که چند سال پیش با همین عنوان و توسط همین مترجم و ناشر طبع یافت).

«حکمت سلیمان» که غالباً در سنت لاتینی، «کتاب حکمت» نامیده می‌شود، به تمامی به زبان یونانی نگاشته شده است. حتی فصل‌های

نخستین آن که پاره‌ای به خط آنها را درای نسخه اصلی عبری یا آرامی فرض کرده‌اند. از این روی، این کتاب به قانون کتاب مقدس تعلق نگرفته است. آباء کلیسا از قرن دوم میلادی به بعد، از آن استفاده می‌کردند و به رغم تردیدها و پاره‌ای مخالفت‌ها، بهویژه مخالفت قدیس هیرونوموس، این کتاب در قانون کلیسای کاتولیک گنجانده شد.

در بخش نخست کتاب، مؤلف گمنام، خوانندگان را به آن می‌خواند که با دوری جستن از بدی، در پی جستن حکمت برآیند، چه ادمی از بهر نامیرای آفریده شده که در گرو حکمت است. او دوبار رشته کلام را به دست بی دینان می‌سپارد: اینان نخست به شرح تصور خود از وجود و نیت خویش برای زندگی لذت‌بخش که ایشان را به آزار کردن ماجد دادگرا را به چشم می‌بینند، پیش از آن که خداوند معدوم شان گرداند، به خطای خویش اعتراف می‌کنند. سعادت نهایی دادگران، همانان که در عالم خاکی از سه برکت سعادت و زیانگی و زندگی دراز بی‌نصیب مانده‌اند، با سرنوشت رقت‌انگیز بی دینان مقایسه می‌شود.

در بخش دوم رشته کلام به دست سلیمان سپرده می‌شود و مؤلف خویش را در پس او نهان می‌دارد. او شرح می‌دهد که از چه روی و

چگونه در جوانی مایل به کسب حکمت گشت و چه محسناتی از آن به او رسید. در بخش سوم کتاب که بلافضله پس از پایان دعا آغاز می‌شود، نخست یاداوری می‌شود که حکمت چگونه قهرمانان سفر پیدایش و خروج را نجات بخشد.

مؤلف کتاب، سلیمان فرض شده است. او بی آن که از خود نام برد، به پادشاهان همنای خویش خطاب می‌کند. او که به ذرا مجد خویش

رسیده است، از زمانی یاد می‌کند که در عقیقان جوانی، سلطنت را بر عهده گرفت و از خداوند خواست تا او را برای حکم راند، قلبی حکیم و دانا عطا کند؛ پس چون

پادشاهان سخن می‌گوید. اما بدیهی است که این نویشه حکیمانه، مانند «کتاب جامعه» یا «غزل غزل‌های سلیمان»، با شگردی ادبی، به نام اورتین حکیمان اسرائیل منتسب شده است.

مؤلف راستین کتاب به یقین بهویژه‌ای سرشار از ایمان به «خدای پدران» و سرافراز از تعلق داشتن به «قوم مقدس» و «نسلی بری از عیب» بوده، اگرچه بهویژه‌ای

یونانی مأب بوده است. مورخان بر این باورند که این کتاب می‌تواند طی واپسین دهه‌های

